

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر محمد کریم فارغی-استرالیا

۲۱ اگست ۲۰۲۰



داکتر محمد کریم فارغی

طالب و قندهاریان اصیل

در سال ۱۹۹۶ وقتی تحریک طالبان تازه حکومت شان را در قندهار اعلام داشتند، من با یک مؤسسه صحتی که در قندهار و هلمند و نیمروز کلینیک ها داشت من حیث کواردیناتور تریننگ کار می کردم. نظر به پلان قبلی باید برای تدویر تریننگ به قندهار می رفتم. از پشاور با پرواز شرکت هوائی پاکستان به کوئته رفتم و از آنجا به وسیله موتو عازم قندهار شدم. این اولین سفر من به قندهار پایتخت سیاسی کشورم بود و نهایت هیجانی و خوشحال بودم. حاکمیت طالب ها و ایجاد محدودیت های مدنی برای من آنقدر قابل ملاحظه نبود ولی توهین و اهانت مردم را تحت هیچ عنوانی نمی پذیرفتم و آن را خلاف ارزش های مردم ما به خصوص پشتون ها می دانستم.

من طبیعتاً کم ریش هستم و در آنوقت که از حاکمیت طالب ها چند ماهی می گذشت از نظر آنها ریش شرعی نداشتم ولی من به آن اعتناء نداشتم و آزادانه در شهر گشت و گذار می کردم. دوست و برادر به جان برابرم داکتر اسماعیل هائل از کابل به خاطر کمک با من آمده بود و در همه جا مثل یک بازو و یک سپر همراهی ام می کرد. در بین طالبان دست اول دوستی داشت که با ملا عمر خیلی نزدیک بود، او نرس بود و داکتر هائل را از پشاور وقتی در شفاخانه ای یکجا کار می کردند می شناخت.

یکروز به داکتر هائل یاد آور شد که اگر بخواهی غیر از ملا عمر هر یک از این کلان ها را در دفترت حاضر می کنم. جوان خیلی وطنی و شهزاده قندهاری معلوم می شد.

روز دوم اقامت ما پس از اجرای تریننگ به زیارت خرقة مبارک رفتیم و پس از آن من به زیارت بنیان گذار افغانستان نوین احمد شاه بابا رح رفتم. ضمن زیارت و اتحاف دعا، با کنجکاوی به اطراف حظیره به شمال و وسایل حربی ایشان

که در جنگ‌ها استفاده می‌کردند، نظر انداختم و من حیث یک افغان توأم با غرور و احساسات و ریختن اشک، لحظاتی در گذشته‌های تاریخ رفتم و کوشش نمودم آنوقت‌ها را در ذهنم مجسم نمایم.

در همین اثنا در حالی که من متوجه ماحولم نبودم، یکی از افغانهای ما که لباس پاک و منظم و لنگوته‌ای با شف بلند تر از دیگران داشت و محاسنش سفید شده بود، نزدیک من آمد و از من پرسید، خودت از کجا به اینجا تشریف آوردی؟ پس از سلام و احترام گفتم من از پشاور آمده‌ام. ایشان مثلی که متوجه من و حالت روحی من شده بود، گفت جای اصلی کابل است؟ گفتم بلی کابل است، بعد خود را معرفی کرد و علاوه نمود که من باشنده اصلی قندهار هستم ولی مدتیست در امریکا به سر می‌برم پس از جنگ‌های تنظیمی و مشکلات فراوان در همه کشور به خصوص قندهار، آمده‌ام تا از خانه و زمین‌هایم خبرگیری کنم، وضعیت فعلی چیزی نیست که در گذشته‌ها درین شهر وجود داشت، اینها (طالبان) با آن که از اسلاف‌شان متفاوت‌تر اند ولی هرگز ارزش‌های اصلی مردم قندهار را انعکاس نمی‌دهند، اینها بیشتر از کویت و مناطق اطراف آن آمده‌اند و قندهاری نیستند. خداوند آرامی را حاکم بسازد و مردم اصلی کشور ما حاکم بر اوضاع شوند، این وطن فرزندان خوبی داشت و اینگونه که می‌بینی نبودند. از من و احساسات من قدر دانی کرده و خدا حافظی نمود.

واقعاً کشور ما فرزندان نجیب و باوقار دارد ولی طی چهار دهه جنگ و تسلط بیگانه‌ها اصالت‌ها و معیارهای شهروندی اصیل افغانی ما مورد تعاملات گوناگون قرار گرفت که به مشکل از آن اصالت‌ها می‌شود سراغی یافت....